

بررسی عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی ساکنان مناطق غیر رسمی (مطالعه موردی: محله حصار همدان)

کرامت‌اله زیاری* - استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران
حسین رفیعی‌مهر - دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی

تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۰۲/۲۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۲۵

چکیده

حاشیه‌نشینی همواره به صورت یک معضل مطرح شده و برای رهایی از آن راهکارهای بسیاری تدارک دیده شده است. همدان هم مانند بسیاری از شهرها، در حال طی مسیر شهرنشینی است. یکی از محله‌ها با اسکان غیر رسمی شهر همدان، محله یا منطقه حصار است. در این پژوهش، به بررسی کیفیت زندگی ساکنان این محله با رویکرد ذهنی پرداخته شده است تا نگاه ساکنان با رویکرد پایین به بالا بررسی شود. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر شیوه انجام، توصیفی-تحلیلی بوده است و براساس مطالعه کتابخانه‌ای و تکمیل پرسشنامه انجام شده است. در این پژوهش، تعیین حجم نمونه براساس فرمول کوکران به دست آمد. در بخش مطالعه‌های میدانی، داده‌ها به شیوه‌های مختلف مشاهده شدند. پس از مراجعه به محل، پرسشنامه در طیف لیکرت پنج‌مقیاسی طراحی شد. در این راستا و در جهت اهداف تحقیق، از طریق تحلیل رگرسیون چندگانه و تکنیک تحلیل مسیر، نوع و شدت روابط و تأثیرهای مستقیم و غیر مستقیم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نهایی و میانی تحلیل شد. براساس اطلاعات به دست آمده، بیشترین تأثیر کل، مربوط به متغیرهای اقتصادی است. در نهایت، فرضیه اول پژوهش، مبنی بر غیر مستقیم بودن اثر بعضی از مؤلفه‌ها بر کیفیت زندگی محله حصار و فرضیه دوم، مبنی بر اهمیت متغیرهای اقتصادی به عنوان مؤثرترین مؤلفه تأثیرگذار بر کیفیت زندگی تأیید شد و امکانات تفریحی و ورزشی، به عنوان مهم‌ترین نیاز ساکنان تشخیص داده شد.

کلیدواژه‌ها: حاشیه‌نشینی، رویکرد ذهنی، شاخص‌های کیفیت زندگی شهری، کیفیت زندگی، محله حصار.

مقدمه^۱

بشر علاقه عجیبی به تمرکز و استقرار در واحدهای سکونت بزرگ دارد. براساس آمارهای موجود، حدود نیمی از مردم جهان، ساکن شهرها هستند و این روند در دهه‌های آینده روبه‌افزایش است. به‌طور کلی، این موضوع را می‌توان ناشی از تلاش مردم برای ارضای نیازهای خود و به‌دست‌آوردن امکانات مناسب زندگی شهری در شهرها دانست (رویولا و سوریناخ، ۲۰۰۴: ۵۴۹-۵۷۲). شهرنشینی با چنان سرعتی به‌پیش می‌رود که در تاریخ بی‌سابقه بوده است (نقدی، ۱۳۸۱: ۱۲). امروزه به‌علت سرعت روند شهرنشینی در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، بیشتر شهرداری‌ها منابع مالی و سازمانی برای ارائه خدمات اصلی شهری ندارند و سرمایه‌گذاری، بیشتر به محله‌های پردرآمد و متوسط اختصاص داده شده است. هر شهر جهان‌اولی، در دل خود یک شهر جهان‌سومی دارد که با مشکل‌های آلودگی محیط زیست، بیکاری، ازدحام جمعیت، گرسنگی، بیماری، سوء تغذیه و مرگ‌ومیر کودکان، به‌میزان زیادی درگیر است؛ بنابراین، شهر و شهرنشینی در ایران نیز با بروز و ظهور مشکل‌هایی چون بی‌مسکنی و بدمسکنی، حاشیه‌نشینی و رشد زاغه‌ها و سکونتگاه‌های غیر رسمی، چالش‌های زیست‌محیطی، نبود دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، معضل دفع زباله و بازیافت‌نشدن آن، مشکل‌های ترافیکی و آلوده‌شدن، گسترش آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی، گسترش آسیب‌های روانی و شخصیتی، مشکل توزیع عادلانه‌تر امکانات و خدمات شهری برای شهروندان، مسئله تأمین کار و درآمد برای همه شهروندان، انواع نارضایتی‌های جمعی، ظهور پدیده وندالیسم و احساس بی‌تعلقی و بیگانگی با شهر همراه بوده است (نقدی، ۱۳۸۲: ۲). حاشیه‌نشینی همواره یکی از بزرگ‌ترین این معضله‌ها بوده است. برای رهایی از این معضل، راهکارهای فراوانی تدارک دیده شده است که معمولاً به‌سرعت طراحی و اجرا شده‌اند. عمده این راهکارها مبتنی بر نگاه‌های بیرونی بوده است. این نگاه‌ها معمولاً با پیوند دادن مفهوم حاشیه‌نشینی با مفاهیم کلانی مانند سرمایه‌داری، فقر فرهنگی و... از درک این نکته عاجز مانده‌اند که حاشیه‌نشینی، به‌عنوان یک راهبرد عقلانی در جهت تأمین نیازهای حاشیه‌نشینان عمل می‌کند. نظیر چنین نگاه‌های از بالا را می‌توان در آرای لویی (۱۹۶۶)، پارک (۱۹۲۵)، انصاری (۱۳۵۷)، زاهد زاهدانی (۱۳۶۹)، منصوریان و آیت‌اللهی (۱۳۵۷) و... یافت که البته پژوهش‌هایی مانند پژوهش دپیران نارثپ در ایران، از این قاعده مستثنی هستند (پیران، ۱۳۶۷). در تمام این موارد، آنچه مغفول مانده است، نگاه خود حاشیه‌نشینان به پدیده حاشیه‌نشینی است. در این راستا، بررسی ذهنیت و نگاه ساکنان این مناطق به کیفیت زندگی خود، راهی مؤثر برای شناخت مسائل و برنامه‌ریزی برای حل مشکل‌های این مناطق است؛ چراکه سبب جلوگیری از تجویز نسخه‌های مشابه برای سکونتگاه‌های متفاوت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا در این سکونتگاه‌ها خواهد شد (اسمیت، ۲۰۰۲: ۴۰۳). درحال حاضر، بخش شایان توجهی از دغدغه‌های مدیران اغلب جوامع انسانی را مدیریت مجموعه‌های شهری و ارائه خدمات به ساکنان این مناطق تشکیل می‌دهد. به‌همین دلیل، توجه بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران، به مفهوم کیفیت زندگی معطوف شد تا از این طریق، تلاش‌هایی در راستای ارتقای شرایط زندگی و بهبود کیفی زندگی بشر صورت گیرد (ربانی و کیان‌پور، ۱۳۸۶: ۵۶). جامعه‌شناسان از اواخر قرن بیستم به مفهوم کیفیت زندگی توجه کرده‌اند، اما ریشه‌های جامعه‌شناختی آن را می‌توان تا اواسط قرن بیستم پی گرفت. از لحاظ تاریخی، نخستین تلاش‌ها برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی، از جنبش شاخص‌های اجتماعی نشئت گرفته است (بیدرمن، ۱۹۷۴: ۲۷). دیوید اسمیت، اولین جغرافی‌دانی بود که درباره کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی در جغرافیا سخن گفت (اسمیت، ۱۳۸۷: ۱۶۰). اوانز و هوکسلی (۲۰۰۲) در

۱. مقاله حاضر برگرفته‌شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی کیفیت زندگی بافت حاشیه‌نشین، مطالعه موردی: محله حصار همدان» در دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران است.

بازنگری مطالعه‌های کیفیت زندگی، به این نتیجه دست یافته‌اند که شرایط عینی، چندان بر کیفیت زندگی ذهنی تأثیر نمی‌گذارد و بهتر است ابعاد رضایتمندی از زندگی، بر اساس رضایت از کل زندگی ارزیابی شود؛ بنابراین، شرایط عینی و خارجی، به رضایت از ابعاد خاصی از زندگی مربوط است. به عقیده آن‌ها رضایت از ابعاد زندگی، نقش میانجی را میان ارتباط شاخص‌های عینی و رضایت از کل زندگی ایفا می‌کند (مک‌کرا، ۲۰۰۶: ۱۲۴). دلفیم در مطالعه کیفیت زندگی، بر چهار شاخص موقعیت محیطی، موقعیت مجموعه‌ها، موقعیت اقتصادی و اجتماعی تأکید دارد و هر شاخص را با توجه به زیرشاخص‌های مربوط بررسی می‌کند (دلفیم و دیگران، ۲۰۰۶: ۴۱۵). روگرسون و دیگران (۱۹۸۹) با در نظر گرفتن شاخص‌های محیطی، به بررسی کیفیت زندگی و نابرابری محیطی محله‌ها پرداختند. لی (۲۰۰۸) با استفاده از شاخص‌های ذهنی، به ارزیابی کیفیت زندگی در شهر تایپه پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که محل زندگی، زناشویی، سن، تحصیلات و درآمد قلمروهای مختلف، بر رضایت تأثیر می‌گذارد. MS Westaway در مقاله‌ای با عنوان رضایت از کیفیت زندگی شخصی و محیطی، تصویری از سکونتگاه غیر رسمی افریقای جنوبی سیاه، به بررسی کیفیت زندگی سکونتگاه غیر رسمی افریقای جنوبی پرداخت. در این پژوهش، برای بررسی کیفیت زندگی محیطی، از ۱۲ شاخص کلی مسکن، آموزش، پلیس، امنیت، حمل‌ونقل، جاده‌ها، درمان، خدمات عمومی و محیطی شهری، اقتصادی و تفریحی استفاده شده و در بخشی نیز به بررسی کیفیت زندگی شخصی پرداخته شده است. وی به این نتیجه دست یافته است که سن، تحصیلات و شرایط شغلی، ارتباط زیادی با کیفیت زندگی دارد. همچنین ایمنی و امنیت، اساسی‌ترین نیاز ساکنان و خدمات درمانی و شرایط سلامت، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی است.

در داخل کشور نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. لطفی (۱۳۸۸) در مقاله مفهوم کیفیت زندگی شهری، تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه‌ریزی شهری، به بررسی ادبیات این حوزه در سطح جهانی پرداخته و برای شناخت تعاریف و ابعاد این مفهوم با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری تلاش کرده است. غفاری و دیگران (۱۳۸۷) به بررسی مفهوم کیفیت زندگی در محتوای برنامه‌های توسعه در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از برنامه‌ها، امور رفاهی و اجتماعی به سطح سیاست‌گذاری ارتقا نیافته‌اند.

همدان هم مانند بسیاری از شهرها، در حال طی مسیر شهرنشینی است. به‌ویژه بخش اعظم جمعیت استان، در حال استقرار در مرکز استان است. این امر ناشی از وسعت نه چندان زیاد این استان است که اقشار پایین‌دست را با هدف کسب شغل و آینده‌ای بهتر، به مهاجرت تشویق می‌کند. با این اوصاف، بررسی وضعیت حاشیه‌نشینی شهر همدان بسیار ضروری می‌نماید. در این راستا، بررسی و ارزیابی کیفیت زندگی بافت حاشیه‌نشین این شهر، بسیار مفید واقع می‌شود. در این پژوهش، محله حصار که یکی از اولین هسته‌های حاشیه‌نشینی شهر همدان و یکی از نقاط مسئله‌دار حاشیه‌نشین است، بررسی می‌شود. رویکرد مورد نظر برای بررسی کیفیت زندگی در این پژوهش، رویکرد ذهنی است. این تحقیق، در پی پاسخگویی به این پرسش‌هاست که در میان عوامل تأثیرگذار بر کیفیت زندگی محله حصار، کدامیک از عوامل، تأثیر بیشتری دارند و تأثیرگذاری این عوامل، چگونه است؟ فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه اول: بعضی از مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی در سکونتگاه غیر رسمی حصار، تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی ندارند.

فرضیه دوم: مؤلفه‌های اقتصادی، علاوه بر تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی، از طریق سایر عوامل نیز تأثیرگذارند.

فرضیه سوم: بین مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی در سکونتگاه غیر رسمی حصار، مؤلفه‌های اقتصادی،

مهم‌ترین نیاز ساکنان است.

مبانی نظری

مفاهیمی چون کیفیت زندگی و کیفیت محیط شهری، هنوز به‌طور واضح تعریف نشده‌اند و علوم مختلف با توجه به قلمرو مطالعه و نوع کاربرد آن، تعاریف متفاوتی از آن دارند؛ برای مثال، کیفیت محیطی، مفهومی است که مفاهیم دیگری را نیز در خود دارد. به‌عبارت دیگر این مفهوم، چندبعدی است (ون کمپ و دیگران، ۲۰۰۳: ۶). موضوع کیفیت زندگی، در نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مزلو ریشه دارد و بعدها به‌منظور گسترش قلمرو آن، سایر نظریه‌ها نیز به‌کار گرفته شده است. به نظر مزلو (۱۳۷۲: ۷۱)، آرایش این نیازها به شکل سلسله‌مراتبی است که به‌ترتیب عبارت‌اند از: ۱. نیازهای جسمانی، ۲. نیاز به ایمنی، ۳. نیاز به تعلق و عشق، ۴. نیاز به احترام و ۵. نیاز به خودشکوفایی. با توجه به تعاریف می‌توان گفت که اصولاً کیفیت زندگی، مفهومی پیچیده و چندبعدی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (روستا، شهر، کشور و...) است که هم به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم به شاخص‌های عینی و کمی متکی است (کوکبی، ۱۳۸۴). قضاوت درمورد کیفیت زندگی، ناگزیر پرسش‌هایی را درمورد مفاهیم خوب یا بد، بهتر یا بدتر مطرح می‌کند و با گذار از کنجکاوای جغرافیایی سنتی، درمورد تفاوت‌های ناحیه‌ای و رفتن به سوی مباحث مربوط به نابرابری فضایی، وارد وادی اخلاق می‌شود (اسمیت، ۱۳۸۱: ۱۷۱). اگرچه درمورد مفهوم رفاه اتفاق نظر وجود ندارد، می‌توان گفت به‌طور کلی، رفاه مفهومی است که توصیف‌کننده بهزیستی، تأمین زندگی و فقرزدایی است و بنابراین، در ارتباطی تنگاتنگ با مفاهیمی چون عدالت اجتماعی قرار می‌گیرد (باری، ۱۳۸۶: ۲). بدین ترتیب، توجه به کیفیت زندگی، محقق را به سوی پرسش از عدالت اجتماعی سوق می‌دهد. این امر سبب شده است که در دهه‌های اخیر، به عدالت اجتماعی، چه از طرف جغرافی‌دانان و چه از طرف اندیشمندان سایر رشته‌ها توجه جدی شود که یکی از بهترین نمونه‌های آن، پژوهش‌های رالز (۱۹۷۲ و ۱۹۸۵) است. اگرچه ابعاد اساسی کیفیت زندگی برای همگان یکسان است، این کیفیت با درجه‌های مختلف، از فردی به فرد دیگر متفاوت است (اوه، ۲۰۰۵: ۳۲).

ملاحظه‌های روش‌شناختی در پژوهش‌های کیفیت زندگی

رویکردهای مربوط به کیفیت زندگی در یک تقسیم‌بندی کلی، به دو دسته توصیفی و تبیینی تقسیم می‌شوند. رویکردهای توصیفی، رابطه کیفیت زندگی را با متغیرهایی چون جنس، سن و سواد بررسی می‌کنند و مسئله محوری آن‌ها، سنجش کیفیت زندگی براساس متغیرهای زمینه‌ای است، اما رویکردهای تبیینی، معطوف به شناخت عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی، اعم از عوامل عینی و ذهنی هستند. درحالی‌که بعضی محققان معتقدند که کیفیت زندگی، تنها با پرسش مستقیم از افراد قابل سنجش است، بعضی دیگر به این حد از ذهنیت‌گرایی به دیده تردید می‌نگرند و سنجش‌های قابل مشاهده را ترجیح می‌دهند. درواقع، یک مکتب فکری، طرفدار طرح این پرسش است: «چقدر خوشبخت هستید؟» و مکتب دیگر از شما می‌پرسد که «آیا شغل دارید؟ آیا خانه دارید؟» محاسبه عینی کیفیت زندگی، براساس متغیرهای قابل لمس انجام می‌شوند. این متغیرها به‌صورت معمول، از سوی نهادهای رسمی جمع‌آوری و منتشر می‌شوند. حساب‌های اقتصادی، بهداشت، آموزش، آلودگی شهری و سایر اطلاعات کلی، نمونه‌هایی از این‌گونه اطلاعات‌اند. مطابق روش محاسبه عینی، کیفیت زندگی ممکن است به‌صورت رابطه متقابل میان چهار ویژگی اساسی فعالیت‌های انسان تعریف شود. این چهار ویژگی عبارت‌اند از: کیفیت جمعیت، رفاه مادی، کیفیت نظام اجتماعی و کیفیت اکوسیستم و محیط زیست (باسخا و دیگران، ۱۳۸۹). شاخص‌های دیگری نیز در حوزه‌هایی چون اکولوژی، حقوق انسانی، رفاه و آموزش قرار می‌گیرند (داینر و اونکووک، ۱۹۹۷).

جدول ۱. شاخص‌سازی در مطالعه‌های کیفیت زندگی

محقق	حوزه‌های مورد نظر	توضیحات
مقیاس جامع کامینز comQOL	بهریستی مادی، سلامت، بازدهی، صمیمیت، ایمنی، مکان اجتماع محلی، بهزیستی عاطفی	کیفیت زندگی هم ابعاد عینی و هم ابعاد ذهنی دارد (کامینز، ۱۹۹۶).
برنامه شاخص‌های شهری جهانی (GUIP)	حق تصرف مسکن Tenure، زیرساخت‌ها، سلامت و آموزش، آب، مدیریت پسماند، جمعیت، موضوع‌های اقتصادی و مربوط به نیروی کار، حمل‌ونقل، امنیت، حکومت محلی	این برنامه به‌منظور رتبه‌بندی شهرها براساس سطح توسعه، یک شاخص توسعه شهری شکل گرفت (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۳).
کتاب داده‌های شهرها ^۱ در منطقه آسیا پاسیفیک	جمعیت، مهاجرت و شهرنشینی خدمات شهری، اختلاف درآمدی، بیکاری و فقر، محیط شهری، سلامت و آموزش، حمل‌ونقل شهری، بهره‌وری و رقابت‌پذیری شهری، عوامل فرهنگی، فناوری و ارتباطات، مسکن، مدیریت و حکمروایی شهری، زمین‌شهری (ADB، ۲۰۰۱)	هدف عملیاتی این اقدام، رفع نیاز به ارتقای داده‌ها و شاخص‌ها و سنجش براساس معیارهای مشخص در شهرهای درحال رشد سریع منطقه آسیا پاسیفیک، از طریق ایجاد یک پایگاه داده از شاخص‌های شهری بود.
برنامه سنجش شهری اروپا	جمعیت، ملیت، ساختار خانوار، بازار نیروی کار، بیکاری، تفاوت‌های درآمدی و فقر، مسکن، سلامت، جرایم، اشتغال، فعالیت اقتصادی، مشارکت مدنی، تأمین آموزش و پرورش، سطح آموزش و مهارت‌ها، کیفیت هوا و مدیریت سروصدا، آب و مواد زاید، کاربری زمین، الگوهای حمل‌ونقل، استفاده از انرژی، اقلیم و جغرافیا، فرهنگ و تفریح (ارین ادیت، ۲۰۰۴)	هدف این پروژه، جمع‌آوری و حفظ مجموعه‌ای از اطلاعات جامع و قابل مقایسه از شاخص‌های کیفیت زندگی است و داده‌های آماری را برای ۲۵۸ شهر کوچک و متوسط از ۲۷ کشور اروپایی جمع‌آوری می‌کند.
پیمایش کیفیت زندگی مؤسسه مرسر (mercet)	۱. محیط سیاسی و اجتماعی، ۲. محیط اقتصادی، ۳. محیط فرهنگی-اجتماعی، ۴. ملاحظه‌های درمانی و بهداشتی، ۵. مدرسه و آموزش، ۶. خدمات و حمل‌ونقل عمومی، ۷. تفریح، ۸. کالاهای مصرفی، ۹. مسکن، ۱۰. محیط انسان‌ساخت. این ده طبقه اصلی به ۳۹ عامل یا معیار تقسیم می‌شوند (مرسر، ۲۰۰۷)	مؤسسه مرسر، روش عینی را برای سنجش کیفیت زندگی برگزیده است. در سنجش مؤسسه مرسر، مطالعه‌ای در مورد ۳۸۰ شهر در نقاط مختلف جهان هر یک سال یک‌بار صورت می‌گیرد (مرسر، ۲۰۰۷).



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

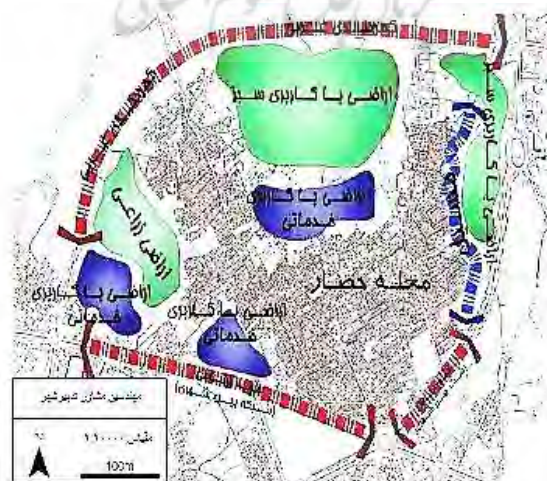
منبع: نگارندگان

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی- توسعه‌ای و از نظر شیوه انجام، توصیفی- تحلیلی است و براساس مطالعه کتابخانه‌ای و تکمیل پرسشنامه انجام شده است. در بخش مطالعه‌های میدانی، داده‌ها به شیوه‌های مختلف مشاهده شدند. پس از مراجعه به محل، پرسشنامه در طیف لیکرت پنج‌مقیاسی طراحی شد. در این پژوهش، حجم نمونه براساس فرمول کوکران به دست آمد. جامعه آماری، تمامی ساکنان محله حصار است. محله حصار براساس سرشماری سال ۱۳۸۵، حدود ۲۹،۲۶۰ نفر جمعیت داشته است. حجم نمونه براساس فرمول کوکران، ۳۲۲ نفر است که برای دستیابی به نتایج بهتر، به ۳۴۰ نفر افزایش یافت. پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ تأیید شد که برابر با ۰/۷۲ و در سطحی قابل قبول است. در ادامه نیز تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. جامعه آماری مورد مطالعه را ساکنان منطقه حصار شهر همدان تشکیل می‌دهند.

بررسی وضعیت محله حصار همدان

یکی از محله‌ها با اسکان غیر رسمی شهر همدان، محله یا منطقه حصار است. گسترش کالبدی محله مذکور بر اراضی کشاورزی روستای حصار صورت پذیرفته و این رشد همچنان ادامه دارد. حصار پیازکاران، نام روستایی است که در نزدیکی شهر واقع شده و در گذر زمان، به علت کوچ روستاییان و احداث واحدهای مسکونی به شهر متصل شده است و در حال حاضر، جزء محدوده شهر محسوب می‌شود (شرکت عمران و بهسازی، ۱۳۸۳). این روستا حدود ۷۰ سال پیش ۲۰۰ خانوار سکنه داشته است که امروزه حدود قبلی خود را از دست داده و با واحدهای جدید، ساختی ترکیبی به نام حصار ایجاد کرده است. محله حصار شامل مناطق اسلام‌شهر، حصار پیازی کاران و راه علی‌آباد در شمال غربی همدان قرار دارد. از شمال به شهرک فرهنگیان، از غرب به بلوار انقلاب و زمین‌های اطراف پل هوایی، از جنوب به بلوار اسدآبادی (جاده کرمانشاه) و میدان سپاه و از شرق به زمین‌های اطراف حصار دیزج منتهی می‌شود که در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۹،۲۶۰ نفر جمعیت داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). در طرح تفصیلی شهر همدان- که از سوی مهندسان مشاور، طرح و تدوین تهیه شده است- حصار به محدوده شهر افزوده می‌شود. به این ترتیب، اولین گام در جهت ارتقای این محله با به رسمیت شناختن آن‌ها در محدوده شهر برداشته شده است. شایان ذکر است که محله فقط جمعیت‌پذیر و مهاجرپذیر نیست؛ بلکه غالباً به عنوان مکان‌های محل گذار از روستانشینی به شهرنشینی عمل می‌کند (تدبیرشهر، ۱۳۸۵). محله حصار، نه تنها با کاستی شدیدی در زمینه دستیابی به خدمات روبه‌روست، بلکه در بخش مسکن نیز کمبودهای بسیار دارد. محله حصار طرح اندیشیده‌ای ندارد.



شکل ۲. موقعیت محله حصار و توسعه آن

منبع: مهندسان مشاور تدبیرشهر، ۱۳۸۵

بحث و یافته‌ها

در این بخش، با استفاده از روش‌های آمار توصیفی، به ارائه نتایج توصیفی پرداخته شده است. سپس با بهره‌گیری از روش‌های آمار استنباطی، به تحلیل و آزمون فرضیه‌ها و چگونگی روابط بین متغیرها پرداخته شده و در نهایت، از یافته‌های پژوهش نتیجه‌گیری شده است. محله حصار در سال ۱۳۸۵ حدود ۲۹،۲۶۰ نفر جمعیت داشته است. همان‌طور که اشاره شد، تعداد نمونه مورد مطالعه براساس فرمول کوکران ۳۴۰ نفر است. در این پژوهش، تلاش شد تا پرسشگری، تمامی گروه‌های سنی که توانایی درک مفهوم کیفیت زندگی و پاسخگویی به پرسش‌ها را داشته‌اند، دربرگیرد. در این راستا، گروه سنی ۲۰ تا ۶۰ سال، در حدود ۸۳ درصد از کل نمونه مورد مطالعه را دربرمی‌گیرد. با توجه به جدول ۳، ۳۹/۴ درصد کل جامعه نمونه را زنان و ۶۰/۴ درصد آن را مردان تشکیل داده‌اند. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، ۴۰ درصد از کل نمونه، تحصیلات دانشگاهی دارند و ۶۰ درصد نیز دیپلمه و پایین‌تر از دیپلم‌اند.

جدول ۲. وضعیت سنی نمونه مورد مطالعه

سن	فراوانی	درصد
۱۵-۲۰	۴۲	۱۲/۴
۲۱-۳۰	۱۷۷	۵۲/۱
۳۱-۴۵	۸۱	۲۳/۸
۴۶-۶۰	۲۶	۷/۶
+۶۰	۱۴	۴/۱
کل	۳۴۰	۱۰۰

جدول ۳. وضعیت جنسی نمونه مورد مطالعه

جنسیت	فراوانی	درصد
زن	۱۳۴	۳۹/۴
مرد	۲۰۶	۶۰/۴
کل	۳۴۰	۱۰۰

جدول ۴. بررسی سطح سواد نمونه

سواد	فراوانی	درصد
بی‌سواد	۱۳	۳/۸
ابتدایی	۲۷	۷/۹
راهنمایی	۲۷	۷/۹
دیپلم	۱۳۵	۳۹/۷
فوق دیپلم و لیسانس	۱۲۲	۳۵/۹
فوق لیسانس و بالاتر	۱۴	۴/۱
کل	۳۴۰	۱۰۰

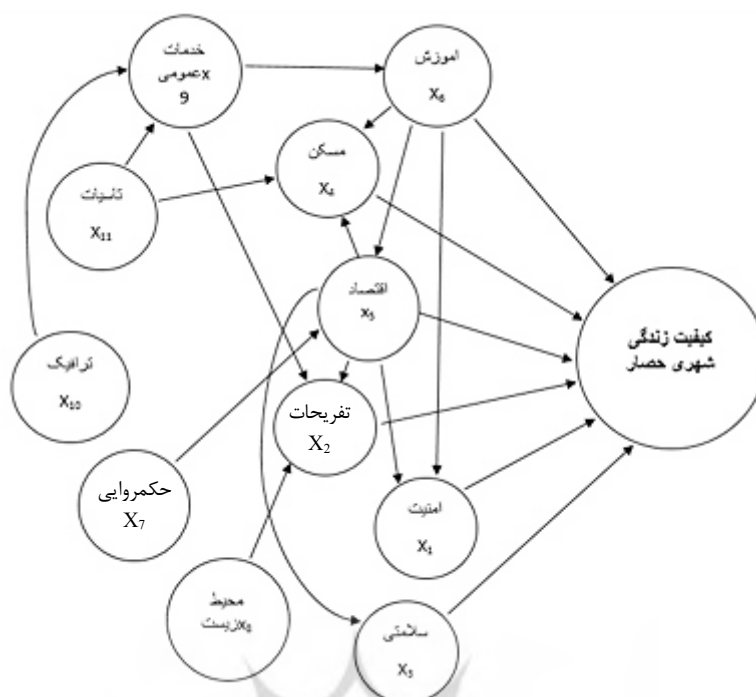
بررسی روابط میان شاخص‌های پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی حصار

در قسمت یافته‌های تحلیلی، ابتدا برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش مبنی بر نحوه تأثیرگذاری شاخص‌ها بر کیفیت زندگی ساکنان محله حصار، از تحلیل مسیر استفاده شد. تحلیل مسیر، یک روش پیشرفته آماری است که به کمک آن می‌توان علاوه بر تأثیرهای مستقیم، تأثیرهای غیر مستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نیز شناسایی کرد (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۹۰: ۵۱۴). در تحلیل مسیر، فلش‌ها مشخص‌کننده تأثیرهای علی از متغیرهای مستقل به سمت متغیرهای وابسته میانی و نهایی‌اند (دواس، ۱۳۷۶: ۲۲۲). در این پژوهش، با چندین دسته از متغیرها سروکار داریم: ۱. متغیر وابسته نهایی که کیفیت زندگی است، ۲. متغیرهای وابسته میانی که متغیرهای مستقلی هستند که تأثیر سایر متغیرها بر آن‌ها آزمون می‌شود و ۳. متغیرهای مستقلی که بر متغیرهای وابسته تأثیر می‌گذارند. حال در جدول ۵، با توجه به ضریب Beta، شدت و ضعف تأثیرگذاری متغیرها بر یکدیگر آورده شده است. پس در پژوهش حاضر، با توجه به روابط بین متغیرها، سه نوع متغیر وجود دارد:

۱. متغیرهایی که صرفاً به صورت مستقیم بر کیفیت زندگی تأثیرگذارند که شامل متغیرهای امکانات و خدمات درمانی (X_3)، مسکن (X_4)، خدمات تفریحی و ورزشی (X_1) و کیفیت امنیت (X_2) است. این چهار متغیر، بالاترین ضریب را داشته‌اند؛
۲. متغیرهایی که صرفاً به صورت غیر مستقیم بر کیفیت زندگی تأثیرگذارند که شامل متغیرهای امکانات و خدمات عمومی شهری (X_9)، حکمروایی شهری (X_7)، تأسیسات زیرساختی (X_{11})، کیفیت زیست‌محیطی (X_8) و وضعیت حمل‌ونقل محله (X_{10}) است. به طوری که نوع تأثیرگذاری آن‌ها از طریق سایر متغیرها اعمال می‌شود؛
۳. متغیرهایی که هم به صورت غیر مستقیم و هم مستقیم، بر کیفیت زندگی تأثیرگذارند که با توجه به شکل ۳، شامل متغیرهای اقتصادی (X_5) و امکانات آموزشی (X_6) می‌شوند. با محاسبه نحوه تأثیرگذاری مؤلفه‌ها، فرضیه اول پژوهش، یعنی غیر مستقیم بودن تأثیر بعضی از شاخص‌ها تأیید می‌شود. همچنین فرضیه دوم، مبنی بر تأثیرهای متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای دیگر تأیید می‌شود. شدت تأثیرگذاری در جدول ۵ و روابط بین متغیرها در شکل ۳ آمده است.

جدول ۵. شدت و نحوه ارتباط بین متغیرها

شدت تأثیرپذیری متغیر مستقل		شدت تأثیرپذیری متغیرهای میانی					تأثیرگذاری	
تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	X6	X5	X4	X3	X2		X1
								خدمات تفریحی و ورزشی (X_1)
								امنیت (X_2)
								امکانات و خدمات درمانی (X_3)
								مسکن (X_4)
								متغیرهای اقتصادی (X_5)
								امکانات آموزشی (X_6)
								حکمروایی شهری (X_7)
								کیفیت زیست‌محیطی (X_8)
								خدمات عمومی (X_9)
								حمل‌ونقل محله (X_{10})
								تأسیسات زیرساختی (X_{11})



شکل ۳. تحلیل مسیر تأثیرگذاری متغیرها و کنش بین آنها

براساس اطلاعات جدول، بیشترین تأثیر مستقیم مربوط به خدمات تفریحی و ورزشی (X_1) با ضریب $0/416$ است. بیشترین تأثیر غیر مستقیم، مربوط به متغیرهای اقتصادی (X_5) با ضریب $0/434$ است و بیشترین تأثیر کل نیز مربوط به متغیرهای اقتصادی (X_5) با ضریب $0/704$ است. با توجه به جدول ۵ و شکل ۱ می‌توان نحوه تأثیرگذاری شاخص‌ها بر کیفیت زندگی ساکنان محله حصار را درک کرد که راهنمای بسیار خوبی در برنامه‌ریزی برای ارتقای این محله حاشیه‌نشین است.

بررسی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی در محله حصار

رگرسیون چندگانه، روشی برای تحلیل مشارکت جمعی و فردی دو یا چند متغیر مستقل در تغییرهای یک متغیر وابسته است (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۱۰)؛ بنابراین، در پژوهش‌هایی که بر پیش‌بینی یا تبیین ناظرند، تحلیل رگرسیون نقش بارزی ایفا می‌کند (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۹۰: ۴۸۰). یکی از اهداف این مطالعه، ایجاد مدلی علی از طریق شناسایی قلمروهای غالب مؤثر بر کیفیت زندگی در حصار است. پرسش‌های اصلی برای ایجاد این مدل این است که کدام قلمروهای زندگی، بیشترین تأثیر علی را بر کیفیت زندگی در ناحیه مورد مطالعه دارند و میزان همبستگی بین متغیرها در پیش‌بینی مهم‌ترین عوامل چقدر است؟ در این معادله، متغیر وابسته، رضایت کلی از زندگی در محله است. متغیرهای مستقل نیز یازده شاخص اصلی پژوهش است. جدول زیر خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها $0/840$ است که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش، همبستگی قوی وجود دارد، اما مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده^۱ که برابر با $0/696$ است، نشان می‌دهد تقریباً ۷۰ درصد از کل تغییرهای میزان رضایت از کیفیت زندگی محله حصار، وابسته به یازده شاخص کلی پژوهش است؛ بنابراین، شاخص‌های پیش‌بینی‌شده برای مطالعه کیفیت زندگی محله حصار به صورت مناسبی انتخاب شده‌اند.

جدول ۶. خلاصه مدل

مقدار ضریب همبستگی R	R square	ضریب تعیین
۰/۸۴۰	۰/۷۰۶	۰/۶۹۶

مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که تأثیر تمامی متغیرها بر کیفیت زندگی، به استثنای متغیر رضایت کلی از وضعیت محیط زیست، معنادار است.

جدول ۷. ضریب رگرسیونی استاندارد شده متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیر	ضریب بتا (Beta)	T آماری	سطح معناداری
رضایت کلی از وضعیت مسکن	۰/۲۷۹	۶/۸۳۶	۰/۰۰۰
رضایت کلی از وضعیت تأسیسات	-۰/۳۵۵	-۷/۷۷۷	۰/۰۰۰
رضایت کلی از امکانات و خدمات شهری	-۰/۱۹۷	-۴/۴۰۴	۰/۰۰۰
رضایت کلی از وضعیت حمل‌ونقل	-۰/۱۴۸	-۴/۲۲۷	۰/۰۰۰
رضایت کلی از وضعیت اشتغال و شرایط اقتصادی	۰/۲۷۰	۵/۴۰۵	۰/۰۰۰
رضایت کلی از وضعیت آموزشی	۰/۲۵۲	۶/۰۸۸	۰/۰۰۰
رضایت کلی از امکانات تفریحی و سرگرمی در محله	۰/۴۱۶	۱۱/۵	۰/۰۰۰
رضایت کلی از وضعیت سلامت و بهداشت	۰/۳۶۰	۹/۹۱۳	۰/۰۰۰
رضایت کلی از وضعیت حکمروایی شهری	-۰/۱۵۷	-۹/۹۵۹	۰/۰۰۰
رضایت کلی از وضعیت امنیت و ایمنی	۰/۳۸۸	۹/۶۲۶	۰/۰۰۰
رضایت کلی از وضعیت محیط زیست	-۰/۰۵۳	-۱/۵۴۹	۰/۱۲۲

قلمرویی که قوی‌ترین تأثیر علی را دارد، متغیر رضایت کلی از امکانات تفریحی و سرگرمی در محله با ضریب رگرسیونی ۰/۴۱۶ است و این بدان معناست که به‌ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر رضایت کلی از امکانات تفریحی و سرگرمی در محله، کیفیت زندگی به میزان ۰/۴۱۶ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. این ضرایب نشان می‌دهند که اولین نیاز مردم این محله در راستای ارتقای کیفیت زندگی، رضایت از امکانات تفریحی و سرگرمی است که به عدالت توزیعی امکانات از قبیل پارک‌ها، فضاهای ورزشی، فرهنگسراها و... در سطح شهر مربوط است، اما با توجه به نتایج تحلیل مسیر باید در نظر داشت که عامل اقتصادی، اگرچه شدت تأثیرگذاری رضایت از امکانات تفریحی و سرگرمی را ندارد، در مجموع و با توجه به تأثیرگذاری آن بر شاخص‌های دیگر، به برنامه‌ریزی طولانی‌مدت در جهت بهبود اوضاع اقتصادی، به‌ویژه درآمد ساکنان نیاز دارد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی ساکنان محله حصار همدان بررسی شد. برای شناسایی روابط بین پیش‌بینی‌کننده‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های غیر رسمی حصار از طریق تکنیک تحلیل مسیر، نوع و شدت روابط و تأثیرهای مستقیم و غیر مستقیم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نهایی و میانی را تحلیل کردیم. برای مطالعه عوامل پیش‌بینی‌کننده، از ادبیات مطروحه و تجربه‌های آن‌ها استفاده کردیم. براساس اطلاعات به‌دست‌آمده، بیشترین تأثیر مستقیم، مربوط به خدمات تفریحی و ورزشی با ضریب ۰/۴۱۶ است. بیشترین تأثیر غیر مستقیم، مربوط به متغیرهای اقتصادی با ضریب ۰/۴۳۴ است و بیشترین تأثیر کل نیز مربوط به متغیرهای اقتصادی با ضریب ۰/۷۰۴ است. تحلیل مسیر تأثیرگذاری مؤلفه‌ها، فرضیه اول پژوهش، مبنی بر غیر مستقیم‌بودن تأثیر بعضی از مؤلفه‌ها را اثبات کرد. به‌گونه‌ای که پنج مورد از یازده متغیر، از طریق سایر متغیرها بر کیفیت زندگی اثرگذارند. همچنین فرضیه دوم مبنی بر تأثیر متغیرهای اقتصادی بر متغیرهای دیگر تأیید می‌شود. در مرحله بعد، با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه، به تحلیل داده‌ها پرداختیم. یافته‌های حاصل از تحلیل

رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که از نظر ساکنان محله، امکانات تفریحی و سرگرمی، مهم‌ترین نیاز این محله است. وضعیت امنیت و ایمنی، وضعیت سلامت و بهداشت و حمایت‌های درمانی، مسکن، اشتغال و شرایط اقتصادی، به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند. با محاسبه میزان اثرگذاری مؤلفه‌ها، فرضیه سوم پژوهش، مبنی بر اهمیت متغیرهای اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین نیاز تأیید نشد؛ چراکه امکانات تفریحی و سرگرمی نیاز اول محله بود، اما باید اشاره کرد که تأثیر متغیرهای اقتصادی بر سایر متغیرها، آن را به‌عنوان مؤثرترین مؤلفه مطرح می‌کند. مانند نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش‌های مشابه، از قبیل لی (۲۰۰۸) یا پژوهش وستاوی (بررسی کیفیت زندگی مناطق غیر رسمی افریقای جنوبی)، اهمیت عوامل اقتصادی - که به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم، بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد - تأیید شد. نادیده‌انگاشتن و تخریب و پراکنش اجباری، مذموم‌ترین سیاست‌های برخورد با پدیده حاشیه‌نشینی، حداقل از نگاه برنامه‌ریزی و آکادمیک است؛ چراکه اسکان حاشیه‌نشینی، خود پدیده نبود برنامه‌ریزی و مدیریت سیاسی و توسعه کارآمد است، نه پدیده افشار کم‌درآمد جامعه. اولین قدم، تقویت شهرهای میانی و کوچک استان و تخصیص بودجه‌های عمرانی بیشتر به آن‌ها و توزیع عادلانه منابع و امکانات مادی است. در قدم بعد، تأکید بر اقدام‌های توانمندسازی و رسمیت‌دهی است. در پایان یادآوری می‌شود هرگونه راهکار ساماندهی، در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که مبتنی بر مطالعه‌های موردی و با تأکید بر سلايق، انگیزه‌ها، توان و خواست ساکنان باشد. در غیر این صورت، موجب تحریک و تشدید آن خواهد شد.

منابع

۱. باری، نورمن، ۱۳۸۱، **رفاه انسان**، ترجمه اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، چاپ اول، سمت، تهران.
۲. باسکا مهدی، عاقلی کهنه شهری لطفعلی، مسائلی ارشک. ۱۳۸۹، **رتبه بندی شاخص کیفیت زندگی در استان های کشور**. مجله رفاه اجتماعی، شماره ۳۷، صص ۹۵-۱۱۲.
۳. حبیب‌پور، کرم و صفری، رضا، ۱۳۹۰، **راهنمای کاربرد جامع SPSS در مطالعات میدانی**، چاپ اول، لویه، تهران.
۴. ربانی، علی و کیانپور، مسعود، ۱۳۷۹، **مدل پیشنهادی برای کیفیت زندگی**، مطالعه موردی: اصفهان، مجله دانشکده علوم انسانی و ادبیات، ۵۸-۵۹.
۵. کوبکی، افشین و پورجعفر، محمدرضا، ۱۳۸۲، **برنامه‌ریزی کیفیت زندگی در مراکز شهری**، مطالعات شهری، شماره ۱۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳.
۶. معاونت بهسازی و بازسازی وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۱، همدان.
۷. مهندسین مشاور تدبیرشهر، ۱۳۸۴، **توانمندسازی مناطق حاشیه‌نشین همدان**، سازمان مسکن و شهرسازی همدان.
۸. نورمحمدزاده، حسین، ۱۳۸۳، **نگاهی سیستماتیک به شهر**، مجله صفا، دوره ۱۴، شماره ۳۹، صص ۵-۲۲.
۹. نقدی، اسداله، ۱۳۸۳، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شهری**، انسان و شهر، نشر نوآوران، همدان.
10. ADB, 2001, **Urban Indicators for Managing Cities: Cities Data Book**, Editors: Westfall, M. S. and De Villa, V. A., ADB, Manila.
11. Auh, S., 2005, **An Investigation of the Relationships between Quality of Life and Residential Environments among Rural Families**, PhD Dissertation of philosophy.
12. Barry, N., 2002, **Human Wellbeing**, Translated By: Mirhosseini, A. and Nourbakhsh, M., 1st Ed., Samt, Tehran. (*In Persian*)
13. Basakha, M. Kohneshahri, L., Masaeli (2010)A. Ranking the **Quality of Life in Iran Provinces**. Social Welfare. VOL10.NO37,PP:95-112
14. Biderman, A. D. (1974). **Social indicators**. In Robert L. Clewett & Jerry C. Olson (Eds.) *whence and whither in social indicators and marketing* (pp.27-44), Chicago: American Marketing Association.
15. Construction and Remediation Company of Housing and Urban Development ministry, 2002,

Housing and Urban Development Organization of Hamedan. (In Persian)

16. Cummins, R. A., 1996, **The Domains of Life Satisfaction: An Attempt to Order Chaos**, Social Indicators Research, No38, PP303-328.
17. Delfim Sannots, L. and Isabel, M., 2006, **Monitoring Urban Quality of Life Experience**, Social Indicators Research.
18. Diener, E. and Lucas, R., 2004, **Explaining Differences in Societal Levels of Happiness: Relative Standards, Need Fulfillment, Culture, and Evaluation Theory**, Journal of Happiness Studies: An Interdisciplinary Periodical on Subjective Well-Being, No. 1, PP. 41-78.
19. Habibpoor, K. and Safari, R., 2011, **Comprehensive Manual for Using SPSS in Survey Researches**, 1st Ed, Louye Press, Tehran. (In Persian)
20. Kerlinger, F., 1994, **Principles of Research in Behavioral Science**, 1st Ed, Translated By: Pasha Sharifi, H. and Najafi Zand, J., Avayeno, Tehran. (In Persian)
21. Kowkabi, A. and Poorjafar, M. R., 2003, **Quality of Life Planning in Urban Centers**, Urban researches, No. 12, PP 6-13. (In Persian)
22. Maslow, A., 1991, **Motivation and Personality**, Translated By: Rezvani, A., Astan Qods Razavi Press, Tehran. (In Persian)
23. McCrea, R., Shyy, T. and Stimson, R., 2006, **What is the Strength of the Link Between Objective and Subjective Indicators of Urban Quality of Life**, Applied Research in Quality of Life, No. 1, PP. 79-96.
24. Mercer Human Resource Consulting, 2006, **Quality of Living Survey 2006**. <http://www.mercer.com>
25. Naqdi, A., 2004, **An Introduction to Urban Sociology**, Man and City, No Avaran Press, Hamedan. (In Persian)
26. Noormohammadzadeh, H., 2005, **A Systematic Overview to the Urban Issues**, Journal of Soffeh, No. 39, PP. 5-21. (in Persian)
27. Rabani, A. and Kianpour, M., 1990, **The Proposed Model for Quality of Life, Case Study: Isfahan**, Journal of Human Science and Literature Faculty, No.12, PP. 59-58. (In Persian)
28. Rawls, J., 1985, **Justice as Fairness: Polotical not Metaphysical**, Journal of Philosophy and Public Affaris, Vol. 14, No. 3 PP. 223-251.
29. Rogreson, R. J., 1995, **Environmental and Health-Related Quality of Life: Conceptual and Methodological Similarities**, Social Science and Medicine, Vol. 41, No. 10, PP. 1373-1382.
30. Royuela, V. and Surinach, J., 2004, **Constituents of Quality of Life and Urban Size**, Social Indicators Research, Vol. 74, No. 3, PP. 549-572.
31. Schmit, R., 2002, **Considering Social Capital in Quality of life Assessment: Concept and Measurement**, Social Indicators Research, No. 58, PP. 403-428.
32. Skevington, S. M. and Wright, A., 2001, **Changes in the Quality of Life of Patients Receiving Antidepressant Medication in Primary Care**, Validation of the WHOQOL-100, British Journal of Psychiatry, No178, PP261-267.
33. Statistical Center of Iran, 2004. (In Persian)
34. Tadbir Shahr Consultant, 2005, **Empowerment of Informal Settlements in Hamedan**, Housing and Urban Development Organization of Hamedan. (In Persian)
35. The Economist Intelligence Unit (EIU)
36. Manbae badi: Urbanaudit, 2004, Urban Audit Perception Survey. www.urbanaudit.org/UAPS%20leaflet.pdf
37. Van Kamp, I., Leidelmeijer, K. and Marsman, G., 2003, **Urban Environmental Quality and Human Well-Being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts; A Literature Study**, Landscape and Urban Planning 65 (2003)5-18, Elsevier Science